

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سخنرانی : امیلکار کابرال
فرستنده : یوسف فرهادی
۱۳ جون ۲۰۲۵

آزادی ملی و فرهنگ

بخش هفتم



هر اندازه تفاوت بین فرهنگ خلق تحت سطر و فرهنگ استعمارگر نمایانتر باشد، امکان چنین موفقیتی بیشتر خواهد بود.

تاریخ ثابت کرده که همواره تسلط یافتن بر خلقی که فرهنگ مشابه و یا همانند فرهنگ فاتحین داشته، ساده تر بوده است.

می توان ادعا کرد که علت شکست ناپلئون، صرفنظر از انگیزه های اقتصادی و سیاسی جنگهای فاتحانه اش، نادیده گرفتن اصل فوق بوده است و یا به عبارت دیگر، تسلط بر خلق هائی که فرهنگ کم و بیش مشابه فرهنگ فرانسه داشته اند، حس جاه طلبی او را فرونشانده است، همین مطلب را می توان درباره سایر امپراتورها اعم از قدیمی و معاصر، اظهار داشت.

یکی از جدی ترین خطاهائی که قدرتهای استعمار در افریقا مرتکب شده اند، نادیده گرفتن و یا کم بها دادن به قدرت فرهنگی خلقهای افریقائی بوده است.

این نگرش به ویژه در مورد استیلاي پرتغال بروشنی نمایان است. این سلطه استعماری نه تنها ارزشهای فرهنگی افریقائیان و همچنین جایگاه اجتماعی آنها را مطلقاً انکار می کند، بلکه در ممنوعیت هر گونه فعالیت سیاسی آنها نیز پافشاری می کند.

مردم پرتغال تا کنون از ثروت خلق های افریقائی که توسط استعمار پرتغال به یغما رفته، سهمی نبرده اند.

لیکن اکثریت آنها ذهنیت طبقات حاکم کشورشان را جذب کرده اند. آنها به خاطر این اشتباه، که واقعیت فرهنگی ما را کم بها داده اند، امروز در سه جنگ استعماری درگیر شده اند که برایشان بسیار گران تمام خواهد شد.

مقاومت سیاسی و مسلحانهٔ خلقهای مستعمرات پرتغال، نظیر سایر کشورها یا مناطق افریقا، به علت برتری تکنیکی امپریالیست فاتح، و همچنین به علت سازشکاری و تسلیم طلبی از طبقات حاکم بومی، درهم شکسته شد. آن دسته از نخبگانی که به تاریخ و فرهنگ خلق وفادار بودند، نابود و بسیاری از مناطق قتل عام شدند.

سلطهٔ استعماری با تمام جنایات و بهرکشی جابرانه که مشخصه آن است، مستقر شد.

لیکن مقاومت فرهنگی خلق افریقائی ما از بین نرفت. علی رغم همهٔ سرکوبها، همهٔ آزارها، همهٔ خیانتها برخی از گروه های اجتماعی که در ردهٔ استعمار گران بودند، فرهنگ افریقائی، همهٔ طوفانها را پشت سر گذاشت، در روستاها پناه گرفت، در جنگلها و در نسلهای قربانی لانه جست.

همانگونه که یک دانه پس از طی مراحل در شرایطی مساعد جوانه می بندد تا بقای نوع و تکامل خود را تأمین کنند، همانگونه هم فرهنگ خلقهای افریقائی اکنون دوباره در سراسر قاره، در مبارزات آزادیبخش ملی شکوفا می شود.

اشکال این مبارزات، پیروزی ها یا شکست ها، و طول دوران تکاملش، هر چه باشد، آغاز یک عصر نوین را در تاریخ قاره مشخص می کند که هم در شکل و هم در محتوا مهمترین عنصر فرهنگی زندگی خلقها را تشکیل می دهد.

مبارزهٔ آزادیبخش خلقهای افریقا هم ثمره و هم دلیل فرهنگی آنهاست، که چشم انداز های نوینی را به سوی تمامی فرهنگ و در خدمت ترقی و پیشرفت می گشاید.

دیگر گذشت آن زمان که بلوغ فرهنگی خلقهای افریقائی را مورد چون و چرا قرار می دادند. «تیوری» های احمقانه و نژاد گرایی «گوبینو» ها و یا «لوری برول» ها همانا تنها زبینه و شایستهٔ خود نژاد پرستان است. علی رغم تسلط استعمار (و حتی شاید به علت این تسلط) افریقا توانست احترام دیگران را نسبت به ارزشهای فرهنگی خویش بر انگیزد. حتی می توان گفت افریقا نشان داد که از لحاظ ارزشهای فرهنگی، یکی از غنی ترین قاره ها است. از «کارتاژ» تا «گیزا» و «زیمبابوه» از «مرو» تا «بنین» و «ایف» از «صحرا» تا «تیم بو کتو» و «کیلوا» در میان عظمت و گوناگونی شرایط طبیعی قاره، فرهنگ خلقهای افریقائی یک واقعیت انکار ناپذیر است: از آثار هنری گرفته تا سنن نویسندگی و سخنوری از مفاهیم کیهان شناسی گرفته تا موسیقی و رقص، از مذهب و اعتقادات گرفته تا تعادل پویای ساخته های اجتماعی سیاسی و اقتصادی ایجاد شده توسط انسان افریقائی.

ارزش عام فرهنگ افریقائی اکنون دیگر یک حقیقت بی چون و چراست، معذا نباید فراموش کرد که انسان افریقائی، که به قول شاعر «دستهای سنگ گیتی را بنا نهاده است» فرهنگ خود را بارها، اگر نه همواره، در شرایط متفاوت تکامل بخشیده است.

ادامه دارد...